

هشدار به مبارزان توده ای

توده ایران، از جمله مبارزات قهرمانانه رفقای سازمان نوید و اسطوره هایی مانند رفیق شهید حیدر مهرگان (رحمان هاتفی)، رفیق شهید سیمین فریدین و ده ها تن دیگر از رفقای شهید سازمان نوید را که در زیر وحشیانه ترین شکنجه های مزدوران رژیم پرشوری از مقاومت و استواری آفریدند و سرانجام بدون آنکه لب باز کنند در راه خلق جان باختند تخطئه می کند.

نویسنده مقاله، از جمله در مقدمه مطلب می نویسد: «وقتی کتاب خاطرات کیانوری در سال ۱۳۷۱، پس از "اعترافات" و بخشش طلبی های او در نمایش تلویزیونی سال ۱۳۶۲، منتشر شد دوباره بسیاری از مریدان ساده لوح و ... زبان به تحسین گشودند اما "بدبینان" با توجه به اینکه کتاب به کمک و زیر نظر سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی تدوین شده و به همت یکی از شعبه های آن انتشار یافته بود، مطلب را طور دیگری تفسیر

ادامه در صفحات ۵ و ۴

مجله «آرش» که در پاریس منتشر می شود در شماره اخیر خود (شماره ۵۵، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۵) مطلبی تحت عنوان «اتحاد چپ دموکراتیک ایران توطئه ی تازه ساوا» منتشر ساخته است که گویا توسط یکی از «مبارزان قدیمی در ایران» برای این مجله ارسال گردیده است. مطلب نوشته شده در نشریه ی «آرش» تلاش می کند این نظریه را ثابت کند که جریان «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» که توسط فردی به نام پیروز دوانی عمل می کند، وابسته و در ارتباط با حزب توده ایران است که به قصد دفاع از رژیم جمهوری اسلامی به راه افتاده است، و «آرش» از این طریق مبارزه قاطع و پیگیر حزب ما علیه رژیم «ولایت فقیه» را زیر علامت سؤال می برد. مطلب نوشته شده بدون آنکه به حداقلی از اخلاق و فرهنگ سیاسی پایبند باشد تمامی مبارزات حزب

ضرورت تشدید مبارزه در راه نجات جان زندانیان سیاسی

ها و غیره و آزار و اذیت مردم، در کنار فعالیت مجدد گروه های ترور جمهوری اسلامی در خارج از کشور که اخیراً دکتر رضا مظلومان را در پاریس به قتل رساندند، و تشدید فشار به زندانیان سیاسی روشن می شود که رژیم کارزار نوینی از ترور و اختناق را علیه مردم، نیروهای مترقی و زندانیان سیاسی کشور آغاز کرده است. در چنین شرایطی ضرورت همکاری و اقدام مشترک کلیه نیروهای آزادی خواه و دمکرات کشور برای نجات جان زندانیان سیاسی بار دیگر به وظیفه ای عاجل و درنگ ناپذیر برای تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه بدل می شود. بدیهی است که با تشدید بحران همه جانبه سیاسی اجتماعی رژیم، جو سرکوب و خفقان به مثابه یگانه سلاح موثر برای ادامه حیات رژیم استبدادی «ولایت فقیه» بیش از پیش به کار گرفته شود.

نباید اجازه داد تا رژیم خودکامه باردگر فاجعه کشتار زندانیان سیاسی باقی مانده در زندان ها را سازمان دهی کند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن شدید این موج جدید جنایت رژیم از همه توده ای ها در درون و بیرون از کشور می خواهد تا تلاش خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران دوچندان کنند.

- تصویری از اوضاع اقتصادی کشور در ص ۲
- جبهه تشکل های همسوی روحانیت در ص ۲
- معضل بیکاری کارگران در ص ۳
- محکومیت رژیم در پارلمان بلژیک در ص ۵
- فقر زدایی در جمهوری اسلامی در ص ۶
- مارش قانونمند تاریخ ادامه خواهد یافت در ص ۸

بر اساس گزارش های رسیده رژیم «ولایت فقیه» کارزار نوینی از تشدید فشار، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را آغاز کرده است. بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل احمد باختری مهندس کشاورزی در تاریخ ۲۲ ژوئن در زندان اوین اعدام شده است. سازمان عفو بین الملل در اطلاعیه مطبوعاتی که در این زمینه در تاریخ ۲۷ ژوئن منتشر کرده است از جمله می نویسد: «بر اساس گزارش های رسیده، در ماه اخیر به دنبال درخواست احمد باختری برای لغو حکم اعدام صادر شده علیه او، نماینده قوه قضائیه در زندان با او ملاقات کرد و به او اطلاع داد که درخواستش مورد قبول «کمیته عفو» قرار نگرفته است و حکم اعدام در مورد او اجرا خواهد شد. احمد باختری روز ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ دستگیر و در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۳ در دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شده بود... به نظر می رسد که حکم اعدام او در سال ۱۹۹۴ به زندان ابد تقلیل پیدا کرده بود ولی در محاکمه مجدد در همان سال دوباره به اعدام محکوم شد. دومین حکم اعدام او این بار مورد تصویب شورای عالی قضایی نیز قرار گرفت... بر اساس اطلاعیه «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران» در پاریس احمد باختری از وابستگان به سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اقلیت) بوده است. همچنین بر اساس گزارش همین انجمن، «کازم میرزایی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران، در روز ۱۹ ژوئن ۱۹۹۶ نیز در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم به شهادت رسیده است».

«جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن» نیز با صدور بیانیه ای به تاریخ ۶ ژوئیه خبر داد: «حد اقل ۲ زندانی سیاسی و نیز زندانیان سیاسی فقیه، فندری... و سرهنگ سوسن آبادی در چند ماه اخیر در ایران... در انتظار اعدامند». همچنین بر اساس گزارش های دیگر جان قریب ۴۴ زندانی سیاسی که حزب ما ماه ها قبل اسامی آنان را انتشار داد هنوز در معرض خطر اعدام قرار دارد. از مجموعه این گزارش ها و یورش گروه های مسلح و چماق دار «انصار حزب الله» به دانشگاه ها، سینماها، خیابان

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸۴، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۲۶ تیرماه ۱۳۷۵

اجلاس سران هفت کشور پیشرفته سرمایه داری و ایران

سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری در اجلاس سالانه خود از پیروی توصیه های آمریکا دایر بر اتخاذ روش شدیدتری در قبال جمهوری اسلامی خودداری کردند و فقط به تکرار شکایت های قبلی خود از ایران اکتفا نمودند. در بیانیه سیاسی سران هفت کشور درباره ایران چنین آمده است: «از دولت ایران دعوت می کنیم که نقش سازنده تری در امور منطقه ای و جهانی به عهده گیرد و از حمایت مادی و سیاسی نسبت به گروه های افراطی که در صدد اختلال در جریان صلح خاورمیانه و برهم زدن ثبات منطقه هستند، خودداری کند». بیانیه یاد شده می افزاید: «همچنین از دولت ایران می خواهیم که به تروریسم پشت کند و به ویژه از حمایت از تهدیداتی که متوجه آقای سلمان رشدی و افراد دیگری است که با کار او در ارتباط قرار دارند خودداری نماید. ما از همه کشورها می خواهیم که از همکاری با ایران در زمینه هایی که ممکن است به تحصیل سلاح های اتمی کمک کند، اجتناب ورزند». طبق گزارش خبرگزاریها، در این کنفرانس آمریکا از سیاست تشدید مجازاتهای اقتصادی علیه ایران دفاع کرد اما درباره پیوستن کشورهای اروپایی به آن اصراری نورزید. کشورهای اروپایی نیز در عین انتقاد از این سیاست آمریکا، از تهدید

ادامه در ص ۳

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



«جهت شکل های همسو با روحانیت مبارز»

ناطق نوری در سخنرانی خود در دومین کنگره «جامعه اسلامی مهندسين» ضمن اشاره به نقش فعاليت تشکيلاتی در حفظ و تداوم انقلاب از جمله گفت: «زمان مناسب فرارسیده تا شکل های همسو با روحانیت مبارز جهت واحدی را تشکیل دهند.» به گفته او: «جامعه روحانیت مبارز تهران با فعاليت تشکيلاتی خود زمینه را مساعد کرد تا بر حول محور ولایت شکل های همسو با آن به وجود آید.»

وی همچنین مدعی شد: «زمینه تشکیل احزاب در کشور مساعد است و کسانی که می گویند در حکومت ولایت فقیه نمی توان حزب تشکیل داد حرفشان مبنی درستی ندارد، اینها تشکیل حزب در ایران را با کشورهای اروپایی و آمریکا مقایسه می کنند...»

به گفته ناطق نوری هدف از تشکیل حزب در ایران می بایستی: «تحقق بخشیدن به حاکمیت دین و خدا و ولایت فقیه باشد... در نظام اسلامی حزب باید بر اساس احکام الهی و در چارچوب احکام خدا حرکت کند...»

نکته قابل توجه اینکه در هفته های اخیر صحبت های مشابهی از سوی تعدادی از نمایندگان جناح رسالت در سخنرانی های مختلف مطرح شده است که نشانگر آغاز فعاليت این جناح برای راه اندازی جهت واحدی در مقابل گروه «کارگزاران» است.

انتقاد «سازمان بین المللی کار» از رژیم

کنفرانس سالانه «سازمان بین المللی کار» که با شرکت وزیران کار ۱۷۳ کشور جهان، از جمله حسین کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی، تشکیل شد، در بیانیه پایانی خود به دلیل وجود «تبعیض مذهبی» و نیز «نابرابری گسترده در دسترسی به فرصت های شغلی و آموزشی برای زنان و اقلیت های مذهبی» در ایران، از جمهوری اسلامی انتقاد کرد.

«سازش بر سر مسئله سلمان رشدی»؟

روزنامه «گاردین» چاپ لندن فاش کرد که اکثریت اعضای اتحادیه اروپا با سازش با جمهوری اسلامی در مورد فتوای آیت الله خمینی درباره سلمان رشدی موافقت کرده اند. روزنامه مذکور در ادامه افزود که که این سازش به این معنا خواهد بود که اتحادیه اروپا «ادامه اعتبار و غیر قابل الغا بودن» فتوای اعدام سلمان رشدی را به رسمیت بشناسد و در مقابل، جمهوری اسلامی کتباً تضمین کند اقدامی برای به اجرا گذاشتن این فتوا به عمل نخواهد آورد.

آغاز عملیات حفاری توسط شرکت «توتال»

اسماعیل جلیلیان، رئیس بخش تولید فلات قاره در وزارت نفت جمهوری اسلامی، در مصاحبه ای با روزنامه «ایران» اعلام کرد که شرکت فرانسوی «توتال» رسماً عملیات کاوش و حفاری را برای بهره برداری از منابع نفت و گاز فلات قاره در جزیره «سیری» آغاز کرده است. انتظار می رود عملیات مقدماتی در زمینه کاوش و حفاری و نصب دکل ظرف دو سال آینده به اتمام برسد. پس از تکمیل طرحهای مذکور، روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت از میدان های جزیره «سیری» استخراج خواهد شد.

حمله هوایی ترکیه به یک روستای مرزی ایران

بنا به گزارش منابع خبری جمهوری اسلامی، سه فروند هلیکوپتر نظامی ارتش ترکیه در روز ۶ تیرماه به قلمرو هوایی ایران تجاوز کرده و با شلیک راکت به یک ناحیه روستایی به نام «سیلوانا»، در ۲۵ کیلومتری غرب ارومیه واقع در نوار مرزی ایران و ترکیه، باعث کشته شدن ۶ نفر از روستاییان (پنج زن و یک کودک) و زخمی شدن ۱۵ نفر دیگر شدند. به دنبال اعتراض شدیدالحن ایران، ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه

اظهارات مقامات جمهوری اسلامی را «یک دروغ» خواند و خبرگزاری «آناتولی» به نقل از مقامات ترکیه ادعا کرد که نیروهای مسلح این کشور هیچ گونه «عملیاتی» در مرز ایران انجام نداده اند و تنها «به مبارزه خود با تروریست هایی که از خاک ایران به داخل ترکیه رخنه می کنند مشغول بوده اند».

در این رابطه، «حزب دموکرات کردستان ایران» نیز اعلام کرده که هفت تن از اعضای آن در داخل خاک ایران و در ناحیه سلماس توسط سربازان ترکیه به قتل رسیده اند. رادبوی «حزب دموکرات کردستان ایران» در برنامه ۹ تیرماه خود اسامی کشته شدگان را بدین شرح اعلام کرد: امیر جهاننیده، صادق حسن زاده، شمس الدین رسولی، قادر امیرزاده، جمال راغی، رسول حمیدی و اسکندر عزیززاده.

محکومیت مهاجرانی و طبرزدی

بنا به گزارش روزنامه «سلام»، مدیران مسؤول هفته نامه های «بهمن» و «پیام دانشجو» از سوی هیأت منصفه مطبوعات «مجرم شناخته شدند، اما با توجه به «سوابق خدمات» آنها مشمول تخفیف مجازات گردیدند. عطاءالله مهاجرانی - معاون پارلمانی و حقوقی ریاست جمهوری و سخنگوی گروه «کارگزاران» و مدیر مسؤول هفته نامه «بهمن» که پسن از انتشار ۱۷ شماره تعطیل شد - به جرمه نقدی و یک سال محرومیت از فعاليت مطبوعاتی، و حشمت الله طبرزدی - مدیرمسؤول هفته نامه «پیام دانشجو» - به جرمه نقدی و پنج سال محرومیت از انتشار هرگونه نشریه محکوم گردیدند. «جامعه روحانیت مبارز» و مرتضی نبوی، مدیر مسؤول روزنامه «رسالت» مدعی شده بودند که هفته نامه «بهمن» در جریان انتخابات مجلس نسبت به «جامعه» و «روزنامه» مذکور مرتکب «ایراد افترا و نشر اکاذیب» شده است. حشمت الله طبرزدی، که در رابطه با افشایگری های هفته نامه «پیام دانشجو» پیرامون اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات به دادگاه کشانده شده بود، در جلسه دادگاه اظهار کرد: «افشای اختلاس بانک صادرات یک ثواب و مبارزه با منکر است».

تصویری از اوضاع اقتصادی کشور

کروانی

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در سال ۷۴، نسبت به سال ۷۳، معادل ۶۰/۲ درصد افزایش یافت. بیشترین میزان افزایش قیمت ها در اردیبهشت ۷۴ بود که به رقم ۷۷/۳ درصد نسبت به ماه مشابه در سال ۷۳ رسید. طبق خبری دیگر، آخوندی، وزیر مسکن و شهرسازی، گفت: «هزینه مسکن ۶۰ الی ۷۰ درصد از هزینه خانوارهای ایرانی را تشکیل می دهد».

کسری عظیم بودجه در آموزش و پرورش

نجفی، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که آموزش و پرورش از سال ۷۱ با کسری بودجه و افزایش آن رو به رو بوده است که رقم آن در سال ۷۵ به ۲۷۳ میلیارد تومان می رسد.

بیکاری گسترده افراد با تحصیلات عالی

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نتایج حاصل از اجرای طرح «آمارگیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری

در سال ۱۳۷۳» نشان می دهد که از «جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور» در سال مذکور، حدود ۵۶ درصد «فعال» (شاغل) و بقیه «غیرفعال و بیکار» بوده اند.

تغییر مقررات ارزی

به دنبال الزام صادر کنندگان کالاهای غیر نفتی به بازگرداندن تمام ارز حاصله به بانک مرکزی، رکود چشمگیری در میزان صادرات غیر نفتی، به ویژه فرش، حاصل شد و ارزش کالاهای صادر شده از ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۷۳، به ۳ میلیارد دلار در سال ۷۴، تنزل یافت. برای جلوگیری از این روند، «اداره نظارت بر مقررات تنظیم بازار» اعلام کرد که به صادر کنندگان کالاهای صنعتی اجازه داده می شود ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات فرآورده های خود را نگهدارند. این رقم برای صادر کنندگان فرش و فرآورده های کشاورزی ۳۰ درصد است. همچنین از این پس به صاحبان واحدهای تولیدی اجازه داده خواهد شد که بخش اعظم مواد خام و دستگاههای مورد نیاز برای افزایش تولیدات خود را از خارج وارد کنند.

خصوصی سازی و دعوت از سرمایه داران فراری

محسن رفیق دوست، رئیس «بنیاد مستضعفان و جانبازان»، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه انگلیسی زبان «ایران نیوز» چاپ تهران گفت: «ما در برنامه دوم از مجموع ۴۰۰ شرکت خود، ۳۰۰ شرکت را به صورت مزایده [حراج] به مردم [بخش خصوصی] واگذار می کنیم، ضمن آن که چند شرکت دیگر نیز از طریق بورس به مردم واگذار می شود.» همچنین، احمد صادقی، مدیر عامل کارخانه ذوب آهن اصفهان طی مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «به زودی یک خط نورد فولاد کارخانه ذوب آهن اصفهان به ظرفیت ۳۵۰ هزار تن در سال به بخش خصوصی واگذار می شود». محمد رضا نعمت زاده، وزیر صنایع نیز طی سخنانی در اصفهان اعلام کرد: «یکی از برنامه هایی که برای رشد و صنعت باید مورد توجه قرار گیرد استفاده از منابع خارج از کشور است.» وی با اعلام این که ایرانیان خارج از کشور سرمایه های زیادی در اختیار دارند، اظهار داشت: «اگر بتوانیم برای ورود این سرمایه برنامه ریزی کنیم، کمک بزرگی به رشد صنعت خواهد شد».

طبقه کارگر ایران و معضل بیکاری

● مقاله زیر قبلاً به شکل ناقصی در شماره ۴۸۲ «نامه مردم» چاپ شده بود که با پوزش از خوانندگان، اینک متن کامل آن را درج می‌کنیم.

پدیده بیکاری و گسترش شتابان آن، از زمره بزرگترین مشکلات کنونی میهن ما محسوب می‌شود. این امر به ویژه در طبقه کارگر ایران بازتاب گسترده دارد و پیامدهای ژرفی بر جای گذاشته است و بر این اساس یکی از مهمترین معضلاتی است که طبقه کارگر ایران با آن دست به گریبان است.

در سال‌های اخیر و در پی اجرای برنامه‌های پنج ساله اول و دوم زیر نام «تعدیل اقتصادی» که با توافق هر دو جناح حاکم در جمهوری اسلامی و به دستور صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به اجراء درآمد، بیش از پیش امنیت شغلی و حقوقی کارگران میهن ما مورد تهدید و تخریب قرار گرفته است. ابعاد این یورش به طبقه کارگر ایران در حدی است که دبیر اجرایی «خانه کارگر» نیز مجبور است، اعتراف کند که «تعدیل کارگران و اخراج نیروهای تولید از کارخانه‌ها یکی از بزرگترین مشکلات جامعه کارگری است.»

واقعیت این است که با پیاده شدن سیاست‌های نامبرده و واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی روند اخراج و باز خرید کارگران این مراکز افزایش چشمگیری یافت. این افزایش در حدی بود که روزنامه سلام در شماره ۱۲ دیماه ۱۳۷۴ خود نوشت: «تنها در طی یکسال گذشته ۸ هزار تن از کارگران و کارکنان شرکت‌های وابسته به سازمان گسترش اخراج شده اند...». شرکت پارس الکتریک که از واحدهای با سابقه صنعتی کشور است در همین حال اعلام کرد که نیروی کار این شرکت را از ۳۰۰۰ نفر به ۷۰۰ نفر تقلیل خواهد داد.

رسانه‌های گروهی در اسفند ماه سال جاری اعلام کردند کارخانه فولاد ساوه تعطیل شد و کلیه کارگران آن از کار بیکار شدند و بالاخره بر اساس آمار رسمی صنایع نساجی کشور که قدمتی طولانی و اهمیت ویژه‌ای در ساختار تولیدی کشور دارند در سال‌های اخیر بیش از یک سوم از نیروی کار ۴۵۰ هزار نفری خود را از دست داده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.

بر اساس آمارهای رسمی رژیم روند کاهش نیروی کار در مراکز تولیدی و در مقابل آن توجه بیشتر به بخش خدمات (که عمدتاً درگیر روابط دلالی است) یکی از دلایل عمده تخریب ساختار تولیدی، تشدید بیکاری، فقر و محرومیت در ایران بوده است.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی مرتضی محمد خان وزیر اقتصاد: «در ایران به طور متوسط ۲۲ نفر کار می‌کنند تا زندگی خود و ۷۸ نفر دیگر را تأمین کنند». از سوی دیگر عدم حمایت دولت از تولید داخلی و تمرکز بر واردات بی‌رویه از جمله علل دیگر رشد عظیم بیکاری و تشدید

بحران تولید در جامعه بوده است. بر اساس گفته محبوب رئیس خانه کارگر «در ازای هر یک میلیارد دلار واردات، زمینه ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در مملکت از دست می‌رود...»

از ویژگی‌های نگران‌کننده دیگر رشد بیکاری در میان کارگران کشور کاهش چشمگیر کارگران زن است. بر اساس آمار مربوط به سال ۱۳۷۳ در مجموع ۵۹۲۲ کارگاه بزرگ صنعتی کشور (دارای بیش از ۱۰ کارگر) از تعداد ۶۲۴ هزار کارگر شاغل تنها ۳۵ هزار تن آنان را زنان تشکیل می‌دهند و نرخ بیکاری نسبت زنان به مردان کارگر سالیانه ۵ درصد افزایش می‌یابد.

در کنار رشد بیکاری، و در شرایطی که در ماه‌های اخیر نرخ بسیاری از اوراق عمومی، از جمله نان تا ۳۰ درصد افزایش یافته است، فشار کمر شکن اقتصادی و اجتماعی بر طبقه کارگر ایران دوچندان شده است.

تنها اقدام جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر افزایش کمک هزینه مسکن تا مبلغ ۸۰۰ تومان برای کارگران غیر متاهل و ۱۲۰۰ تومان برای کارگران متاهل بوده است، که این ارقام در مقابل نرخ رشد تورمی که حداقل حدود ۵۴ درصد برآورد می‌شود، کوچکترین تاثیری بر زندگی کارگران و کمک به آنها ندارد. در شرایطی که بحران اقتصادی - اجتماعی همچنان روند رشد خود را می‌پیماید، توجه به کار و سازمان دهی در صفوف طبقه کارگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با افشای سیاست‌های کارگر ستیز رژیم «ولایت فقیه» و آشنا کردن کارگران به ریشه‌های اساسی همه مشکلات کشور ما - یعنی رژیم حاکم - می‌توان زمینه را برای درگیر شدن هرچه بیشتر کارگران در مبارزه صنفی - سیاسی آماده کرد.

فراموش نکنیم که بدون حضور سازمان یافته طبقه کارگر نمی‌توان امیدوار بود که تحول به سمت تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال در میهن ما تحقق یابد و راه برای رهایی میهن از بندهای استبداد قرون وسطایی حاکم باز شود.

ادامه: اجلاس سران هفت کشور ...

به اقدامات تلافی‌جویانه خودداری کردند و تنها رهبران سه کشور - فرانسه، ایتالیا و ژاپن - سخن انتقادی ملایمی در قبال واشنگتن به کار بردند.

رسانه‌های گروهی ایران، ضمن انتشار خبر مربوط به این نشست، از عدم توافق کشورهای اروپایی با آمریکا ابراز خرسندی کردند و مدعی شدند که اقدام‌های آمریکا علیه ایران کوچکترین تأثیری نخواهد داشت.

آمریکا چند روز پیش از برگزاری این اجلاس، که مصادف بود با انفجار بزرگی در پایگاه نظامی طهران عربستان سعودی که به کشته و مجروح شدن گروه بزرگی از نظامیان آمریکایی منجر شد و اعلام کرده بود در صدد است تصمیم‌های قاطعی در مورد «برخورد با تروریسم» و خصوصاً جمهوری اسلامی، در این اجلاس اتخاذ کند.

عدم توافق آمریکا و کشورهای اروپایی، که از مدت‌ها پیش به سدی در سیاست «تشدید فشار اقتصادی» آمریکا علیه ایران بدل شده است، نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی حاضر نیستند در قبال فشارهای دولت آمریکا، از قراردادهای بسیار پرسود اقتصادی با رژیم «ولایت فقیه» که سالیانه سر به میلیارد ها دلار می‌زند دست بردارند. در این میان نقش دولت آلمان، فرانسه و ژاپن که وسیع‌ترین روابط تجاری را با رژیم جمهوری اسلامی دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

دولت‌های دست راستی فرانسه و آلمان، اکنون مدتهاست که اعلام کرده‌اند علی‌رغم فشارهای بین‌المللی، و حتی فشار از سوی جامعه اروپا، مصمم هستند تا روابط خود را با ایران گسترش دهند و از طریق بسط روابط اقتصادی تأثیر بیشتری روی سیاست‌های ایران، خصوصاً در منطقه بگذارند. نکته جالب دیگر اینکه رسانه‌های گروهی ایران گزارش دادند، در پی شکست سیاست تحریم اقتصادی، بیل کلینتون اعلام کرده است، خواهان دیدار و گفتگو با سران جمهوری اسلامی است. بر اساس گزارش روزنامه رسالت (۴ تیرماه ۱۳۷۵) «کلینتون به دو روزنامه عربی گفته است که دولت او نه در صدد سرنگون ساختن دولت ایران است و نه قصد رویارویی مسلحانه با آن دارد...»

معدالک هم‌انظوری که ما قبلاً در اسناد بلنوم کمیته مرکزی حزبمان اشاره کرده‌ایم، دولت آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی برنامه‌های گوناگون، ولی در مجموع با هدف واحدی را در ایران دنبال می‌کنند. مهمترین اصول این برنامه بازگرداندن نفوذ بی‌چون و چرای امپریالیسم در کشور ما و جلوگیری از سیاست‌هایی است که می‌تواند کشورهای وابسته به آمریکا در منطقه را با دشواری روبرو کند. آمریکا و امپریالیست‌ها بارها نشان داده‌اند که برای آنها شکل حکومت‌های دیکتاتوری (چه نوع شاهنشاهی و چه نوع ولایت فقیه‌ی) نیست که مهم است بلکه مهم تحقق اهداف کوتاه مدت و استراتژیک آنها برای غارت منافع و منابع مردم ایران و منطقه است.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه: هشدار به مبارزان توده ای

کردند... نویسنده مطلب و دست اندرکاران مجله «آرش» در این زمینه دچار فراموشی کامل می شوند و یادشان نمی آید که اتفاقاً مجله «آرش» از جمله نشریاتی بود که در خارج از کشور با اختصاص دادن «ویژه نامه ای» به این موضوع تلاش کرد این نظر را اثبات کند که کتاب «خاطرات» بسیار «اصیل» است و در کمال «آزادی» منتشر شده است. دست اندرکاران مجله «آرش» و نویسنده مقاله فراموش کرده اند که در همین نظر خواهی، تنها نظری را که مجله «آرش» حاضر به چاپ آن نشد (البته گویا به دلیل اشکالات فنی؟! نظری بود که از سوی حزب ما، و به درخواست سردبیر آن مجله، برای نشریه ارسال شده بود و در تضاد آشکار با دیگر نظرات چاپ شده در نشریه قرار داشت، نظراتی که برخی از آنها بعداً آنچنان مورد توجه سازمان امنیت و ساواک رژیم قرار گرفت که ستون هایی از روزنامه های رسمی رژیم در اختیار آنها گذاشته شد تا هر چه آزادانه تر بسط و گسترش یابند. و اما نظری که حزب ما در این زمینه داد چه بود که چاپ آن برای دست اندرکاران مجله «آرش» تولید اشکال می کرد؟ بخش هایی از آن را در این جا ذکر می کنیم: «گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی برای نابودی فیزیکی و بی اعتباری معنوی نیروهای مخالف و دگر اندیش علاوه بر یورش های وسیع همراه با زندان، شکنجه و اعدام هزاران میهن دوست، دست به نمایش های تلویزیونی، سند سازی، پخش دروغ و تحریف واقعات، حزب سازی و انتشار کتب و جزوات و مقالات فراوانی زدند... ایک، یک، فرفند جدیدی را رژیم به آزمایش گذاشته است. این بار قرعه به نام یکی دیگر از قربانیان رژیم، نورالدین کیانوری که پس از سال ها شکنجه و زندان با بیماری و کهولت سن همچنان در بند و زنجیر رژیم خودکامه اسیر است، خورده است. کتابی به «نام خاطرات نورالدین کیانوری» با هزینه و تلاش «انتشارات اطلاعات» با جلد زرکوب و تصاویر و امکانات ارائه شده از طرف وزارت اطلاعات به بازار می آورد، خواننده با پدیده جدید و بی سابقه ای از «خاطرات نویسی» بر می خورد و آن اینکه بازپرس وزارت اطلاعات رژیم در نقش مصاحبه گر و کمیسیون ویژه همین وزارت خانه در نقش «ویراستار» با هوشیاری و آمادگی کامل، طبقه بندی را که وزارتخانه مربوطه به آنها محول کرده است، طی تمام روند مونتاز «خاطرات» و یا بهتر بگوییم بازجویی در «آزادی» به خورد خواننده کتاب می دهند... حزب توده ایران بارها اعلام کرده است مطالبی را که اشخاص در اسارت و اجبار درباره حزب و تاریخ آن و اشخاص دیگر می نویسند و یا نوشته اند، فاقد سندیت است... (از مصاحبه «نامه مردم» با رفیق علی خاوری «نامه مردم» شماره ۴۰۵، ۱۵ تیرماه ۱۳۷۲).

و اما نکات دیگری که در مقاله آمده است، و از جمله تلاش های رژیم برای دام گستری بر سر راه مبارزان راه آزادی و از جمله توده ای ها از مسابلی است که نیازمند به بررسی دقیق و هوشیاری همه جانبه رزمندگان راه آزادی در ایران است که ما در اینجا مختصراً به این موضوع می پردازیم.

رژیم جمهوری اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۱، با هدف نابودی حزب توده ایران یورش وسیع و همه جانبه ای را علیه حزب ما آغاز کرد. رژیم که با همکاری نزدیک و همه جانبه سازمان های امنیتی - جاسوسی امپریالیستی از جمله سیا، اینتلیجنس سرویس، و موساد این یورش همه جانبه را سازمان دهی کرد، مصمم بود تا برای همیشه خطر کمونیسم و حزب توده را، حزب کارگران و زحمتکشان را از میهن ما ریشه کن کند و یا به عبارت دیگر مأموریت خاتمه نیافته رژیم شاهنشاهی را به سرانجام برساند. دستگیری بیش از ده هزار تن از اعضا، هواداران و رهبران حزب (به اعتراف ریشه‌ری - دادستان وقت انقلاب) و سپس سازمان دهی شوهای تلویزیونی برای بی اعتبار کردن تاریخ، برنامه و مبارزات بیش از نیم قرن کمونیست های ایرانی برای رهایی کشور از بندهای استعمار و استثمار، بخشی از توطئه سهمگینی بود که رژیم تصور می کرد با اجرای آن حزب توده ایران را برای همیشه نابود خواهد کرد. اعلام انحلال حزب توده ایران از زبان رهبران دستگیر شده حزب در کنار شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی برای درهم شکستن مقاومت توده ای ها در درون و بیرون از زندان علی رغم تصورات رژیم نه تنها نتوانست روحیه مبارزه جویی و حماسه مقاومت را در درون حزب ما نابود کند، بلکه ضرورت حفظ سنگر و برافراشته نگاه داشتن پرچم طبقه کارگر ایران در مقابل یورش خونین ارتجاع را بیش از پیش در صفوف توده ای ها تقویت کرد. مقاومت قهرمانانه اکثریت قاطع رفقای توده ای در شکنجه گاه ها که با خون خود بدربارها نوشتند «راه همان است که من رفتم - رفیق رحمان هاشمی (مهرگان)» در کنار بازتاب بسیار منفی و منزجر کننده نمایش چهره های درهم شکسته و تکیده گروهي از رهبران حزب که به سختی قادر به تکلم بودند در جامعه، خیلی زود به رژیم فهماند حزبی را که ریشه در اعماق جامعه ما و خصوصاً کارگران و زحمتکشان دارد، نمی توان با این ترندها نابود کرد. هنوز مدتی از این یورش خونین نگذشته بود که موسوی اردبیلی رئیس وقت قوه قضائیه ناچار به اعتراف به این حقیقت شد که: ما با یک حزب چهل و چند ساله که ریشه های عمیقی دارد روبرو هستیم و در واقع به ناتوانی رژیم در نابودی حزب ما اعتراف کرد. علی رغم دشواری های زیاد، توده ای هایی که از گزند یورش خونین ارتجاع در امان مانده بودند خیلی زود توانستند با برافراشتن پرچم حزب

توده ایران و بازسازی ارگان های ضربه دیده، مبارزه حزب را علیه استبداد حاکم سازمان دهی کنند.

اغراق نیست اگر بگوییم که دوران پس از یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، از دستگیری هزاران توده ای تا کشتار صدها تن از برجسته ترین رهبران، کادرها و مبارزان توده ای در سال ۱۳۶۷ و سپس تحولات درون کشورهای سوسیالیستی دشوارترین آزمونی بوده است که حزب ما در تمامی طول تاریخ خود با آن روبرو بوده است و به همت پیکار قهرمانانه توده ای ها از آن سربلند بیرون آمده است.

از همان دوران روشن بود که با شکست برنامه نابودی حزب پس از یورش سال ۶۱، رژیم به دنبال برنامه های دیگری برای فلج کردن و سرانجام ضربه زدن مجدد به حزب توده ایران باشد. تلاش برای نفوذ در صفوف حزب توده ایران، دام گستری از طریق ایجاد امکانات، ایجاد تشکلهای زیر نظر پلیس، و برنامه ریزی برای انفجار حزب از درون از جمله برنامه هایی بوده است که به تناوب در سال های پس از ضربه دنبال شد و علی رغم لطمات وارده نتوانسته است پیکار حزب توده ایران را متوقف سازد.

ادامه مبارزه حزب ما، سیاست آگاه کننده، روشنگرانه، رزمجویانه و سازش ناپذیر آن در پیکار علیه رژیم «ولایت فقیه» به مثابه عمده ترین حلقه رژیم استبدادی حاکم، در سال های پس از یورش ۱۳۶۱، و تاثیر عمیق معنوی سیاست حزب ما در درون جامعه از سویی و رشد نارضایتی وسیع مردم و تعمیق بحران همه جانبه سیاسی - اجتماعی، از دیگر سواز جمله دلایل روشن و عینی است که رژیم و دستگاه های امنیتی آن نابودی حزب توده ایران را همچنان یکی از عمده ترین برنامه های خود می شمارد.

با تعمیق همه جانبه بحران رژیم، مدتی است که بحث جدی در درون رهبری رژیم پیرامون باز کردن سویاب های اطمینان برای جلوگیری از انفجار در جریان است. بخشی از این بحث ها، از جمله در دفتر ریاست جمهوری و در میان مشاوران رئیس جمهور، حول این مسأله دور می زند که وجود احزاب و نیروهایی که در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» فعالیت «بی خطر» داشته باشند و ضمن ابراز انتقاداتی، از «مجموعه نظام» دفاع کنند، در شرایط اوج گیری بحران سیاسی - اجتماعی هم از نظر نمای خارجی نزد کشورهای غربی، و هم از نظر داخلی سودمند است و می تواند ضمن ایجاد شکاف و پراکندگی در صفوف مبارزان راهی میهن از بندهای استبداد، از کانالیزه شدن و نضج گیری جنبش های اجتماعی که اساس رژیم استبداد را نشانه بگیرد جلوگیری کند. در کنار این نظریه، موضوع حزب درست کردن و راه انداختن دسته های سیاسی، در شرایطی که میل و اشتیاق به مبارزه در جامعه روبه گسترش است و گروه ها و محفل های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ابعاد گسترده ای پدید می آیند و به مبارزه بر می خیزند، از جمله ترندهایی است که هم توسط ساواک شاهنشاهی و هم توسط ساواک جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و می شود. در چنین شرایطی تنها هوشیاری و ارزیابی دقیق مبارز انقلابی است که می تواند خطر فعالیت پلیس را تشخیص دهد و از آن پرهیز کند.

اما، آنچه مربوط به زمزمه «علنی شدن حزب توده» در ایران در شکل و شمایل فعالیت های مختلف از جمله انتشار نشریات نیمه علنی مانند «اندیشه نو» راه افتادن بنگاه ها و شرکت های پژوهشی، که گویا سخت نگران عدم وجود یک تحلیل مشخص در طیف چپ ایران پیرامون علل فروپاشی سوسیالیسم است بهیچ وجه با حزب توده ایران ارتباطی ندارد.

تناقض و تضاد نظرات سیاسی چنین شرکت هایی با حزب توده ایران بقدری است که با انبوهی سریش نمی توان آنها را بهم چسباند. خواننده در نخستین اثر یکی از این شرکت های «پژوهشی» به نام «علل و عوامل پیدایش بحران در کشورهای سوسیالیستی» با نظریات مدیر مسؤول شرکت که مقاله ای در فتح الباب جزوه نوشته است (که البته ارتباطی به پیدا کردن علل فروپاشی سوسیالیسم ندارد) تا حدود زیادی آشنا می شود. مدیر مسؤول اکثر نیروهای سیاسی و خصوصاً حزب ما را به بی فرهنگی سیاسی متهم می کند و اتهامات سنگینی از جمله غیر دموکراتیک بودن، باند بازی و شارلاتانیسم سیاسی را مستقیم و غیر مستقیم نثار حزب می کند و می نویسد: «مدت زمانی است که در جامعه ما از ضرورت مشارکت فعال سیاسی توده مردم و نیز فعال شدن نقش پیشروان سیاسی - فرهنگی و روشنفکران در هدایت فعالیت های اجتماعی دموکراتیک سخن می رود. اما واقعیت این است که برای شرکت در یک فعالیت سالم سیاسی روشنفکرانه، داشتن فرهنگ مبارزه سیاسی ضرور است و این چیزی است که جنبش سیاسی ما در شرایط کنونی فاقد آن می باشد... بسیاری از فعالان سیاسی میهن ما، یک اندیشه را بدون داشتن دید باز و انتقادی پذیرفته و به آن خو گرفته اند و با تعصب کوری که حقیقت مطلق را فقط در اختیار همان اندیشه و ایدئولوژی می داند، هر اندیشه دیگری را نفی می کنند...» به عبارت دیگر مشکل امروز جامعه و عدم فعالیت سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی نه در اختناق قرون وسطایی حاکم بلکه به دلیل بی فرهنگی بسیاری از فعالان سیاسی است. مدیر مسؤول «شرکت پژوهشی پیام پیروز» خود آشکارا تضادهای فکریش را با حزب توده ایران در انتهای همین جزوه در مقاله دیگری به نام «نگاهی به علل

ادامه: هشدار به مبارزان توده ای

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی» به روشنی بیان می کند و می نویسد: «جهان در مسیر جدیدی گام گذارده است. در این مسیر جبهه بندی های اساسی گذشته از بین رفته و جبهه های جدیدی در فراروی ملت ها و دولت ها گشوده شده است. بدنال تحولات عمیقی که در جهان به وقوع پیوسته است، اردوگاه موسوم به «سوسیالیسم واقعا موجود» فروپاشیده شده و کشور اتحاد شوروی از هم گسیخته گشته... و سپس در توضیح علل فروپاشی از جمله عوامل زیرین را عمده می کند: «اعمال حاکمیت توتالیتریستی... انجام اعمال توسعه طلبانه و ناقص حقوق ملت ها زیر پرچم انتر ناسیونالیست پرولتری... ایجاد و تعمیق بحران اقتصادی از طریق اعمال قدرت مطلقه در اقتصاد ایدئولوژیکی شده و فشارهای ناشی از مسابقه تسلیحاتی... بی توجهی به حقوق ملل و اقوام مختلف و اعمال مرکزیت قوی غیر دموکراتیک... و تشنت فکری و نبود برنامه واقع بینانه و منسجم در هدایت و پیشبرد امر دگرگونسازی...» و در نتیجه گیری مقاله می نویسد: «از اینرو همراه با فروپاشی اردوگاه موسوم به «سوسیالیسم»، و بروز تحولات عمیق در احزاب کمونیست و کارگری جهان، کشور پهناور اتحاد جماهیر شوروی که یک ششم کره خاکی را در اختیار داشت از هم گسیخت. بروز چنین پدیده ها و حوادث تعیین کننده تاریخی سبب شد که عصر نوینی در جهان آغاز شود. عصری که در آن مفاهیم غربی دموکراسی و بازار آزاد اقتصادی و معیارهای جدید ارزش های انسانی و اصول اخلاقی بر روند بینش های سیاسی و فلسفی معاصر مسلط شد و عقاید مارکسیسم - لنینیسم که زمانی طولانی بر جهان روشنفکری غالب بود... بی اعتبار جلوه کرد. و عمده ترین گردان های جنبش کمونیستی و سوسیالیستی در سطح بین المللی در بحران عمیق «هویت» فرو رفت.» (همانجا).

از مجموعه نظرات بالا، که پیروز دوانی در نشریه نامبرده آورده است، روشن می شود که نامبرده نه تنها نمی تواند کوچکترین ارتباطی با حزب توده ایران داشته باشد، بلکه هدفی جز مخالفت و مقابله با حزب توده ایران و خط مشی آن را دنبال نمی کند. اینکه در نشریه بخش هایی از نظرات حزب در این یا آن زمینه انعکاس می یابد، تنها پوششی است که به قصد القاء وجود پیوند و ارتباطی با حزب توده ایران انجام می گیرد.

مقاله نویس نشریه آرش در جای دیگر از مقاله تلاش می کند تا با مرتبط ساختن پلاتفرم سیاسی «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» به حزب توده ایران، مواضع حزب ما را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مخدوش نشان دهد و خط «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» را همان خط حزب توده ایران جا بزند. نشریه آرش از جمله می نویسد: «در این برنامه مرز میان "چپ" و "سوسیالیسم" کاملا مخدوش شده و هر جا از سوسیالیسم سخن گفته می شود پسوند عدالتخواهانه انسانی و دموکراتیک به دنبال می آید. در زمینه اقتصاد، در عین حال که از مبارزه علیه نظام سرمایه داری دم می زند همان برنامه سازشکارانه حزب توده اسلامی را... می پذیرد...» نویسنده سپس در توضیح خط سیاسی این سازمان اضافه می کند: «برنامه ضمن اشاره کردن به غیر دموکراتیک بودن اصل «ولایت فقیه» و تناقض آن با اصل حاکمیت مردم... تا حد مبارزه برای دگرگونی قانون اساسی کنونی پیش می رود ولی "تفسیر اساسی حاکمیت کنونی را تنها از طریق "برگزاری انتخابات آزاد" می پذیرد...» و در انتهای می

نویسد: «اتحاد چپ دموکراتیک ایران در جریان مبارزات سیاسی خود - البته بدون آنکه مجالی برای ایجاد توهم باقی بگذارد از هر نوع اصلاحات واقعی (!) و جدی (!) که از سوی جناح های وابسته به حاکمیت (...). به سود مصالح ملت و منافع ملی، بهبود سطح زندگی مردم، ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تحقق یابد پشتیبانی می کند...».

حزب توده ایران در اسناد متعدد خود در سال های اخیر به روشنی با مقولاتی که نشریه آرش تلاش می کند به جای سیاست های روشن حزب ما جا بزند به کرات برخورد کرده است.

کمیته مرکزی حزب ما در پلنوم اخیر خود در دی ماه ۱۳۷۴، از جمله به این جمع بندی رسید که: «رویدادهای کشور در سال گذشته تأیید کننده ارزیابی حزب ما بود که «ولایت فقیه» عمده ترین حلقه پیوند ساختار ارتجاعی و استبدادی حاکم، و سد اساسی هرگونه تحول بنیادین به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی است... بر این اساس روشن می شود که امروز عرصه اساسی مبارزه در ایران، نه بر سر شعارهای تخیلی مانند برگزاری «انتخابات آزاد» از سوی «رژیم» و «ولایت فقیه» بلکه بر سر طرد حاکمیت «ولایت فقیه»، یعنی عامل اصلی استبداد و تاریک اندیشی است. نمی توان در شرایطی که حتی آزادی های قید شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی با استناد به «فرامین ولی فقیه» آشکارا زیر پا گذاشته می شود، امیدوار بود که رژیم به دست خود «انتخابات آزاد» برگزار کند و اجازه دهد تا نیروهای مخالف به مجلس و دولت راه یابند.» (اسناد پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - «نامه مردم ۴۷۱ دی ماه ۱۳۷۴»).

ما در نتیجه گیری همین اسناد به روشنی اعلام کردیم: «حزب ما اعتقاد عمیق دارد که در چارچوب حاکمیت «ولایت فقیه»، هیچگونه تحول اساسی به سمت دموکراسی و آزادی در ایران ممکن نیست. و در عین حال معتقد است که رژیم کنونی داوطلبانه حاضر به عقب نشینی و تغییر مواضع خود نیست، مگر زیر فشار خرد کننده توده ها... از این دو اصل می توان نتیجه گرفت که هرگونه تغییر که بخواهد راه را برای تحول واقعی بگشاید، نیازمند یک جنبش وسیع و سازمان یافته توده ای است... به گمان ما در شرایط کنونی و با توجه به اشتراک نظر وسیعی که میان نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور وجود دارد، تشکیل جبهه وسیعی علیه استبداد حاکم که خواست اساسی اش برچیدن حکومت دیکتاتوری حاکم باشد، گام عملی لازم برای آغاز سازمان دهی مبارزه ای است که می تواند راه را برای استقرار دموکراسی در ایران بگشاید.» (همانجا)

از این روشن تر نمی توان در تضاد و مخالفت با خطی که در پلاتفرم سیاسی «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» آمده است و نشریه آرش تلاش می کند آن را به حزب توده ایران مرتبط سازد سخن گفت. چنین تهمت هایی علیه حزب توده ایران نه تنها تازگی ندارد، بلکه بیش از هر چیز نشانگر برخورد نادرست و ضد توده ای حاملان آن است.

در پایان باید یادآوری کنیم که حزب توده ایران پس از یورش رژیم در سال ۱۳۶۱، همواره بر اصل عدم تمرکز هسته های حزبی در ایران برای حفظ اکید امنیت مبارزان انقلابی تأکید ورزیده است و همچنان پیروی از این اصل را مهمترین و حساس ترین رهنمود تشکیلاتی در شرایط حاضر ارزیابی می کند. حفظ وحدت حزب، هوشیاری هرچه بیشتر، حفظ انضباط آگاهانه، از جمله اصول لنینی است که ادامه کاری و مبارزه حزب را در شرایط دشوار نبرد تاملین می کند. نباید فراموش کرد که با تشدید بحران رژیم، از یک سو می توان و باید از امکانات نوین ایجاد شده در جامعه برای سازماندهی مبارزات توده ای بهره جست و از سوی دیگر باید بر دقت و هوشیاری دائم علیه فعالیت و ترندهای رژیم اختناق افزود.

محکومیت جمهوری اسلامی در پارلمان بلژیک

در رابطه با ادامه نقض حقوق بشر در ایران و ادامه سیاست های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، نمایندگان ۹ حزب سیاسی بلژیک قطعنامه ای را تقدیم مجلس کردند که در ۲۰ ژوئن ۹۶ به اتفاق آراء به تصویب رسید. در این قطعنامه از جمله گفته می شود: سیاست «گفتگوهای انتقاد آمیز» اتحادیه اروپا با رژیم جمهوری اسلامی ایران که در شورای ادینبورگ در ۱۲ دسامبر ۹۲ اتخاذ شد، در عمل هیچگونه نتیجه ای تا به امروز بدنال نداشته است. فتوای قتل سلمان رشدی همچنان به قوت خود باقی است.

در همین سه سال گذشته به نام اسلام و دلایل مختلف دیگر، حقوق بشر بطور مداوم توسط رژیم پایمال شده است. گزارش های مختلفی که از سوی سازمان ملل و عفو بین الملل در این زمینه منتشر شده است نشان می دهد که همچنان هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند، شکنجه می شوند و از داشتن وکیل مدافع محروم هستند. پناهندگان سیاسی زیادی هستند که توسط دادگاه انقلاب اسلامی به مرگ محکوم شده اند.

تروریسم دولتی علیه ایرانیان مخالفی که در خارج از ایران زندگی می کنند همچنان از سوی رژیم رهبری می شود و مدت دو سال است ترور مخالفین در خارج از ایران توسط تصویب نامه پارلمان جمهوری اسلامی (مجلس شورای اسلامی) قانونی شده است...

ما از دولت خود می خواهیم برای جلوگیری از ادامه روند یاد شده از سوی جمهوری اسلامی، سیاست های محدود کننده ای را در زمینه های سیاسی و اقتصادی علیه این رژیم در پیش بگیرد... هیچ گروه سیاسی در پارلمان حاضر نیست بپذیرد که اصول سیاست خارجی ما فدای روابط اقتصادی شرکت های تجاری شود... در برابر رژیم جمهوری اسلامی باید یک سیاست «واقع بینانه» اتخاذ شود. لازم است که به سیاست «عادل باشید لطفا» پایان داده شود...

فقر زدایی در جمهوری اسلامی

سردمداران رژیم در این اواخر سروصدای فراوانی پیرامون فقر زدایی راه انداخته اند. سمینار تشکیل می دهند و در بوق و کرنای تبلیغاتی خود می دهند که بطور جدی و سرسختانه مشغول مطالعات برنامه های گسترده ای هستند و در آینده ای نزدیک با به اجرا در آوردن آن، به بلای فقر و تنگدستی در جامعه پایان خواهند داد! ادعا می کنند که با برنامه ریزی های گوناگون قریب ۶۰ درصد از جمعیت کشور و یا به عبارتی بیش از ۴۰ میلیون نفر از هموطنان ما را که به برکت رژیم موجود در زیر خط فقر زندگی می کنند، به سطح یک زندگی معمولی ارتقاء خواهند داد و آنان را از نعمات مادی بهره مند خواهند کرد!

البته می گذریم از اینکه رهبران رژیم تا همین جندی پیش اصلاً قبول نداشتند در «بهشتی» که آنان بنام جمهوری اسلامی تدارک دیده اند و عدل و قسط اسلامی را جاری ساخته اند، فقر نیز وجود دارد! آنان از بازاریان و کلان سرمایه داران محترمی که انحصار تمام مایحتاج عمومی مردم را در دست دارند باج هایی به نام خمس می گیرند و حق امام... و گویا مبالغ یاد شده را هم در اختیار افراد نیازمند قرار می دهند و بدینوسیله خیال خود را از فقر در جامعه اسلامی آسوده می سازند!

در هر حال، سؤال مطرح شده این است از رژیمی که خود با اجرای سیاست های ناخردانه، عامل مستقیم فقر مردم بوده است، چگونه می توان انتظار داشت به جنگ چنین اهریمنی بشتاید و به اینگونه فلاکت ها نقطه پایانی بگذارد؟ مگر نه اینست که چه در زمان اجرای سیاست های ناب به اصطلاح اقتصاد اسلامی و چه در زمان اجرای سیاست های دیکته شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، کوچکترین تفاوتی در جهت کاهش فقر و تنگدستی مردم پدید نیامد؟

مگر نه اینست که بیکاری و تورم و گرانی کمرشکن، بخش عظیمی از فقر متوسط را به جرگه تهیدستان و تنگدستان سوق داد و بخش انحصاری طبقه کلان سرمایه دار دلال پیشه را در دایره تنگ اعضای خانواده حاکمان، محدودتر کرد؟ رژیمی که از صاحبان همین درآمد های افسانه ای نمی تواند مالیات وصول کند، رژیمی که شرکت های دولتی آن از بیت المال می دزدند و حتی از پرداخت مالیات نیز خودداری می کنند، رژیمی که برادر بزرگ ترین اختاپوس مالی آن اختلاس تاریخی می کند و تشویق می شود، رژیمی که صنایع نیمه جان موجود در آن به سختی قادر به ادامه کار و تولید می باشد با کدام امکانات مالی باقیمانده می خواهد به جنگ فقر برود که خود عامل آن می باشد؟ با درآمدهای ارزی صادر کنندگان محترم بازار؟ با صادرات فرشی که در همین یکسال گذشته ۴۰ درصد نسبت به سال های گذشته افت کرده است؟ با نفتی که قیمت آن را خود تعیین نمی کند؟ یا با یکی دو میلیارد دلار صادرات غیر نفتی؟ یا با هزینه های سرسام آور دستگاه های عریض و طویل سرکوب مردم؟

برای زدودن فقر، در کنار راه اندازی یک بسیج ملی و میهنی (که رژیم جمهوری اسلامی قادر به آن نمی باشد) روش های بسیار مشخصی وجود دارد که نیازمند شعار دادن و تشکیل سمینارهای بیهوده نیست. اساسی ترین روشی که در ابتدا باید اجرا شود، زدودن دو نوع فقر عمومی از بیکر جامعه است: فقر اقتصادی و فقر

سیاسی. در مورد اول با توجه به موارد اشاره شده نمونه وار در بالا، سردمداران جمهوری اسلامی به علت استفاده های ناصحیح از منابع و ثروت های ملی، قابلیت اجرای آن را دارا نمی باشند و لذا نمی توان حرفی از آن به میان آورد. برای عملی ساختن بخش دوم نیز در زدودن فقر سیاسی، اولین اقدام ضروری که باید صورت بگیرد نفی حاکمیت رژیم کنونی است که عامل بلاواسطه فلاکت یاد شده می باشد و صد البته که مسئولین جمهوری اسلامی کوچک ترین اعتقادی به این ضرورت نیز ندارند، پس آنچه که می ماند رژیم است و ابزار پوشیده آن که با هیچکدام از این دو جاقوی بی دسته نمی توان به میدان نبرد با فقر قدم گذاشت و با دستی پر از آن بیرون آمد. به راحتی می توان یقین حاصل کرد که هدف رژیم از این هیاهو نیز چیز تازه ای نیست جز ادامه عوام فریبی و برای چندمین بار پراکندن شعارهای خالی در هوا، یعنی ادامه همان سیاست کهنه و فرسوده.

در یک کلام باید چنین خاطر نشان ساخت، سیاستی که خود، غنی نباشد نه، می تواند به نبرد با فقر بپردازد و نه در جنگ با آن موفقیتی بدست بیاورد، و کیست که نداند غنی بودن هر سیاستی را در جامعه امروز انسانی فقط می توان با معیارهایی مانند آزادی، دموکراسی و توجه به نیازهای انسانی شهروندان... محک زد. معیارهایی که جمهوری اسلامی از بیخ و بن با آن بیگانه است.

رهبران رژیم «ولایت فقیه» که خانه را از پای بست ویران کرده اند، همچنان در بند نقش ایوانند

اطلاعیه

نشست نمایندگان سازمان های حزب توده ایران در خارج از کشور، در خردادماه سال جاری برگزار شد. در این نشست مسأله تدارک و برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران، سیاست مبارزاتی حزب و ارگان آن، «نامه مردم»، آخرین تحولات ایران و موضوع تشدید فعالیت سازمان های حزبی در افشای رژیم جمهوری اسلامی و سازمان دهی همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران و خصوصاً کارزار دفاع از زندانیان سیاسی مورد بحث و بررسی نمایندگان سازمان های حزبی در خارج از کشور قرار گرفت. نشست نمایندگان سازمان های حزبی پس از بررسی فعالیت های سازمان های خارج از کشور و اتخاذ تصمیم های مشخص برای تدارک برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران با موفقیت به کار خود پایان داد.

شعبه تشکیلات خارج از کشور
خردادماه ۱۳۷۵

ادامه مارش قانونمند ...

یلتسین بیوستند. ماهیت این نیروها و طرفداران یلتسین را اتحاد نامقدس افراطیون ناسیونالیست طرفدار ژیرینوفسکی، طرفداران یاولینسکی و وابستگان نوکیسه دولت دیکتاتور زده به خوبی نشان می دهد. اینکه نیروهایی مانند یاولینسکی و فتودوروف که خود را طرفدار سر سخت لیبرالیسم و دموکراسی می دانند، می توانند خود را با شخصیتی چون الکساندر لید که ابایی از معرفی خود به عنوان یک شخصیت غیر دموکرات ندارد، همکاسه و همسنگر کنند قبل از هر چیز عدم اعتقاد آنان به دموکراسی واقعی را افشاء می کند.

اینکه آینده تحولات روسیه چه خواهد بود را هیچ کس پیشگویی نمی تواند بکند ولی این مشخص است که حزب کمونیست به مثابه بزرگ ترین، مستشکل ترین و با تجربه ترین نیروی سیاسی کشور با تجربه اندوزی از عملکرد خود در این انتخابات- قادر خواهد بود که اثر مشخص خود را بر آن بگذارد. اینکه یلتسین در سخنرانی روز پس از انتخابات خود به خواسته های آتانی که به کمونیست ها رای داده اند و لزوم رسیدگی به این خواسته ها اشاره می کند ریشه در تأیید موقعیت حزب کمونیست از طرف طرفداران یلتسین است. هم اکنون صحبت هایی از لزوم دعوت حزب به یک دولت ائتلافی در جریان است. اگر حزب کمونیست در انتخابات شکست شدیدی خورده بود، چنین محاسباتی لازم نبود، چون یلتسین و طرفدارانش ثابت کرده اند که اگر بتوانند مخالفان ضعیف خود را لگد مال می کنند. این حقیقت که اکنون علناً از ائتلاف با کمونیست ها در روسیه سخن گفته می شود نشان دهنده اینست که تا چه حد کمونیست ها و نیروهای مترقی پیشرفت کرده اند. حفظ وحدت حزب و درایت رهبران حزب کمونیست در فراخانی نیروهای چپ و میهنی به تشکیل یک جبهه متحد نقش عمده ای در توسعه موقعیت حزب خواهد داشت. ما باور داریم که مارش پر قدرت کمونیست ها در روسیه ادامه خواهد یافت. ابعاد مشکلاتی که جامعه روسیه با آنها روبروست آقدر وسیع است که فقط با برنامه های علمی، عملی و میهنی حزب کمونیست می توان بر آنها غلبه کرد.

رویدادهای جهان



نتایج سوال پراکنج انتخابات در داغستان

بر اساس گزارش آژانس خبری فرانسه، گنادی زیوگائف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در ۱۴ تیر ماه اعلام کرد که مطالعه نتایج ثبت شده دور دوم انتخابات در چندین ناحیه معمای شده است. او متذکر شد که در داغستان، جایی که او در دور اول بیش از ۶۰ درصد آراء را تصاحب کرده بود، در دور دوم فقط کمی بیش از ۲۰ درصد آراء به نفع او ثبت شده است. او گفت مصمم است دلیل این تغییر در آمارتیک را پیدا کند و اضافه کرد که در حال حاضر هیچ اظهار نظری نمی کند. در انتخابات پارلمانی در آذرماه گذشته حزب کمونیست فدراسیون روسیه بیش از ۴۳ درصد آراء را در داغستان بدست آورد. زیوگائف در سخنانی در ۱۳ تیر ماه گفت که خیرگان حزب کمونیست مشغول بررسی و تحلیل محتوی گزارشات و بولتن های خبری مطبوعات و رسانه های همگانی هستند که میزان یک طرفه بودن موضع گیری آنها به نفع کارزار انتخاباتی یلتسین را مشخص کنند.

اتحادیه اروپا و جنگ قره باغ

آنتونیوس تراکاتلیس، رهبر هیات پارلمانی اروپا

در کنفرانس مطبوعاتی در ایروان پایتخت ارمنستان در ۱۱ تیرماه در پایان دیدار خود از کشورهای ماوراء قفقاز گفت کمیسیون ایجاد خواهد شد تا بر اجرای موافقتنامه همکاری و مشارکت بین ارمنستان و اتحادیه اروپا نظارت کند. تراکاتلیس اظهار امیدواری کرد که راه حل عادلانه ای برای درگیری های قره باغ، که موضوع بحث در هر سه پایتخت بوده است، پیدا شود.

افراطیون راست و مذهبی ترکیه در آسیای میانه

به گزارش روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه احمد کتانیچ، عضو پارلمان این کشور که تمایلات متمایل به چپ دارد اظهار داشت که نیروهای راست ناسیونالیست افراطی و مذهبی ترکیه حضور سازمان یافته و بانفوذی در جمهوری های ترک زبان آسیای میانه و آذربایجان دارند. او گفت که سه گروه به ویژه در آذربایجان فعال هستند: آنهایی که با حزب پان ترکیست عمل ملی (آلپ) ارسلان ترکز، در ارتباطند، طرفداران حزب اسلامی رفاه که اخیراً دولت ائتلافی ترکیه را تشکیل داده است، و آنهایی که با امام فتح اله گولن روحانی جنجالی که در تاسیس دهها مدرسه متوسطه مذهبی در جمهوری های شوروی سابق و کشورهای حوزه بالکان دست داشته است، تماس دارند.

اخراج مجاهدین اسلامی از بوسنی

کاخ سفید در ۶ تیرماه اعلام کرد که بوسنی-هرزگوین به «روابط نظامی و اطلاعاتی» خود با جمهوری اسلامی ایران پایان داده است و هیچگونه واحدهای جنگنده «متشکل» خارجی در قلمرو تحت کنترل دولت وجود ندارد. این مسأله عملاً راه را برای اجرای یک برنامه ۷۰ میلیون دلاری آمریکایی جهت آموزش و تجهیز نیروهای نظامی، که عمدتاً مسلمان و کروات هستند، باز می کند. این بیانیه در لیون فرانسه و در جریان کنفرانس ۷ کشور امپریالیستی جهان صادر شد. سخنگوی شورای امنیت ملی، برلیان کولین، متذکر شد که برخی از جنگجویان سابق ایرانی «در نقش های غیر نظامی» باقی مانده اند «ولی ما هیچگونه نشانه ای

از باقی ماندن واحد نظامی مجاهدین نداریم و معتقدیم که هیچیک از افراد باقی مانده در فعالیت های نظامی و یا اطلاعاتی شرکت ندارند». مسأله حضور و شرکت نیروهای مزدور مسلمان از چند کشور اسلامی و به ویژه ایران در درگیری های بوسنی همواره بحث انگیز بود. طبق توافق های انجام شده بین دولت مسلمان بوسنی-هرزگوین و رهبران کاخ سفید تمامی نیروهای مجاهدین خارجی می بایست که تا ژانویه گذشته از بوسنی خارج می شدند، ولی سیاست تعلل در بازگرداندن نیروهای ایرانی از سوی جمهوری اسلامی یکی از مسایل مشاجره آمیز بین واشنگتن و سارایوو بود. سیاست های جمهوری اسلامی در جریان درگیری های این منطقه عملاً در خط ارتجاعی ترین نیروهای جنگ طلب امپریالیستی بود. برخورد دولت مسلمان سارایوو کنار زدن و پشت کردن به جمهوری اسلامی پس از استفاده کامل از سیاست احمقانه آن در طول سال های جنگ بود.

بحران قریب الوقوع اقتصادی در قرقیزستان

به گزارش بی بی سی در ۷ تیرماه اصغر آقاییف، رئیس جمهور قرقیزستان در یک جلسه اضطراری کابینه اظهار داشت که «گرایشات منفی در اقتصاد» می تواند «تا پاییز به یک بحران بودجه، انرژی و اجتماعی» منجر گردد. آقاییف با زیر سوال بردن ۲/۴ درصدی کسری بودجه که از سوی کمیته آمار کشوری مطرح شده، گفت که رقم واقعی «ممکن است ۱۰-۱۵ درصد تولید ناخالص ملی» باشد. آقاییف گفت که «پلیس مالیاتی از نوک سر تا پا در فساد محض قرار دارد». او همچنین گفت که تولید کشاورزی به یک پنجم ارقام ۱۹۹۵ کاهش یافته است و «قرقیزستان تنها کشوری در کنفدراسیون کشورهای مستقل است که در آن صادرات در سال های گذشته به یک چهارم رسیده در حالی که واردات آن دوبرابر شده است».

گردهمایی هفت کشور سرمایه داری جهان از حل مسأله بدهی ها عاجز ماند

اجلاس لیون همچنین در مورد اقدام سریع برای حل بحران مالی سازمان ملل متحد توافق هایی از جمله بررسی نحوه تعیین حق عضویت کشورها و نیز پرداخت بدهی های معوقه کشورهای عضو به عمل آورد. همچنین ۷ کشور سرمایه داری در مورد یک محدوده جدید فعالیت در زمینه همکاری رشد یابنده برای مبارزه با بیماری های واگیردار موافقت کردند و متعهد شدند که مکانیزم هایی برای جلوگیری، تشخیص و نظارت بر اپیدمی ها ایجاد کنند.

ویکتور چرنومردین، نخست وزیر روسیه که به جای یلتسین در اجلاس شرکت کرده بود از ادامه برخی تبعیض های اقتصادی علیه روسیه انتقاد کرد. او گفت: «۷۰ درصد اقتصاد ما خارج از بخش دولتی است ولی هنوز هم روسیه هدف بسیاری از تبعیضات و محدودیت هایی است که علیه اتحاد شوروی اعمال می شد... این غیر عادلانه و غیر طبیعی است». چرنومردین در تشکر از ۷ کشور سرمایه داری که از دو سال پیش به منظور حمایت از پروژه پایه گذاری سرمایه داری در روسیه آنرا در بخشی از اجلاس سالانه خود شرکت می دهند گفت که گروه قبول کرده است که «بدون کشور ما، منابع طبیعی آن، بدنسبب اقتصادی و فکری آن، هیچ مسأله جهانی نیست». چرنومردین مدعی شد که او حدیث حلال را برای تجدید بررسی وضعیت حقوقی روسیه حرر توسط سازمان ملل جلب کرده است.

اقتصادی در اجلاس شامل یک سری پیشنهادات به منظور تقویت، ثبات و استحکام سیستم پولی جهان بود.

بیانیه سیاسی خواستار ادامه و حمایت از پروژه صلح در خاورمیانه شد. رهبران ۸ کشور عمده بانفوذ جهان (در بحث مسایل سیاسی جهان، ویکتور چرنومردین، نخست وزیر روسیه نیز شرکت داشت) بدون اشاره به انتخاب دولت دست راستی در اسرائیل اظهار داشتند که پروژه صلح «بناز به یک انگیزه جدید» دارد و متعهد شدند «از آنان که برای صلح خود را به مخاطره می اندازند حمایت کامل به عمل آورند». اجلاس از سرگیری تماس بین سوریه و اسرائیل را در سال گذشته «بخشی از دینامیس صلح» دانسته و حفظ آن را توصیه کرد.

در لیست مسایل عمده مطرح شده در اجلاس، گردهمایی خواست خود را از ایران جهت «ایفای یک نقش سازنده در مسایل منطقه ای و جهانی» تجدید کرد و اعلام نمود که هیچ کشوری نباید به ایران جهت دسترسی به سلاح های اتمی کمک کند. گزارش مطبوعات عمده بین المللی حاکی از تفاوت هایی بین مواضع کشورهای شرکت کننده نسبت به ایران بود. طیف این مواضع را می توان از موضع ایالات متحده برای منزوی کردن کامل ایران تا موضع اروپا که خواستار ادامه سیاست «گفتگوی انتقادی» با جمهوری اسلامی می باشد و موضع روسیه که خواهان همکاری با جمهوری اسلامی است، دانست.

اجلاس سالانه رهبران ۷ کشور سرمایه داری پیش رفته که در روزهای ۸ و ۹ تیرماه در لیون فرانسه برگزار شد سعی در یکپارچه کردن سیاست های عمده اقتصادی و سیاسی این کشورها کرد. قسمت عمده اجلاس - بررسی مسایل اقتصادی مورد علاقه شرکت کنندگان شامل تسهیل حرکت سرمایه در سطح جهان، مشکلات عمده در روابط تجاری بین قطب های عمده سرمایه داری جهانی و معضل رشد یابنده فقر و بدهی کشورهای جهان سوم اختصاص داشت. بیانیه نهایی اقتصادی این اجلاس مدعی شد که جهانی شدن تجارت که زحمتکشان جهان اثرات آن را در قالب رشد بیکاری سال های اخیر مشاهده کرده اند می تواند «یک منبع امید برای آینده» باشد. بیانیه تأیید کرد جهانی شدن تولید و تهاجم نئولیبرالی می تواند «تجدید ساختار سریع و گاهی دردآور» را تحمیل کند.

اجلاس ۷ کشور قدرتمند سرمایه داری از برخورد جدی با معضل بدهی کشورهای جهان سوم و تأثیر بحرانی این مسأله در نابودی اقتصاد این کشورها طفره رفت. در حالیکه در سال های اخیر مجمع عمومی سازمان ملل به طور متوالی خواستار باطل کردن تمامی بدهی کشورهای فقیر شده است، کوشش برای متقاعد کردن اجلاس برای قبول فروش بخش کوچکی از ذخیره طلای صندوق بین المللی پول جهت پرداخت بدهی کشورهای بسیار فقیر با مخالفت آلمان عقیم ماند. بحث در مورد مسأله بدهی ها به منظور تجدید زمانبندی پرداخت آنها بود. توافق های

مارش قانونمند تاریخ ادامه خواهد یافت



تلویزیون مجبور به اعلام نقطه نظرهای کاندیدای حزب کمونیست می شدند و یا یک برنامه تبلیغاتی به نفع حزب پخش می کردند بلافاصله با اعلام نقطه نظرهای خصمانه و ضد کمونیستی سعی می کردند اثرات آن را خنثی کنند. در یک مورد تلویزیون روسیه که طبق مقررات انتخاباتی می بایست زمانی را برای پخش نظرات و تبلیغات حزب کمونیست اختصاص دهد از پخش یک برنامه که قرار آن از قبل گذاشته شده بود و هزینه آن نیز پرداخت شده بود خودداری کرد. صدر کمیسیون مرکزی انتخابات، نیکلای ریابو، با انتقاد از این مساله اعلام کرده است که این جریان تحت بررسی است.

به موازات این کارزار غیر قانونی و ضد دموکراتیک مطبوعاتی که فقط در کشورهای دیکتاتوری جهان نمونه های آن را می توان یافت برخی دست کاری های عملی در جریان رای گیری گزارش شده است. بر طبق گزارش کمیسیون مرکزی انتخابات، نتایج آراء روس های ساکن برخی جمهوری های سابق اتحاد شوروی دستکاری شده است. مثلاً در ۱۱ تیرماه نتایج رای گیری در قزاقستان به نفع یلتسین اعلام شده بود در حالی که قرار نبود هیچ صندوق رای قبل از اتمام موعد انتخابات باز شود. زیوگائف اعلام کرده است که حزب در حال مطالعه نتایج عجیب چند منطقه منجمه داغستان می باشد که بین دو مرحله شمار آراء طرفداران او بطور غیر منتظره ای کم شده است.

این که طرفداران یلتسین برای دست یازیدن به پیروزی از هیچ تقلبی روی گردان نبودند احتیاج به توضیح ندارد. همانطور که در شماره ۴۸۳ نامه مردم گزارش شده بود، گفته می شود که کاندیداتوری لید و ظهور غیر مترقبه و کسب مقام سوم در دور اول انتخابات همه با حسابگری های دقیق طرفداران یلتسین انجام شده است. یوری باتورین، مشاور سابق امنیت ملی یلتسین در مصاحبه ای با مسکوسکی نووستی در ۱۲ تیر ماه تایید کرد که «ساختارهای غیر دولتی نزدیک به مواضع یلتسین به کارزار انتخاباتی لید کمک مالی و تبلیغاتی کردند. این از محاسبات یلتسین بود که در مرحله اول برخی از حامیان بالقوه زیوگائف را به حمایت از کاندیدای دیگری غیر از خودش وادار و در مرحله دوم با قرار قبلی کاندیدای شکست خورده رای دهندگان خود را به حمایت از یلتسین فراخواند».

یکی از آموزنده ترین جوانب انتخابات ریاست جمهوری موضع گیری نیروهای به اصطلاح خط سوم بود که در زیر پرچم «لیبرالیسم» و «دفاع از دموکراسی» فعالیت می کردند. این نیروها که در مرحله اول انتخابات شیدیدا عملکرد ضد دموکراتیک و غیر مینهنی یلتسین را مورد انتقاد قرار می دادند، در مرحله دوم در حالیکه خواسته های آنها در برنامه حزب کمونیست می گنجد به جبهه طرفداران

روسیه را جشن گرفته اند، این حقیقت را فراموش کرده اند که در طول کارزار ۶ ماهه انتخابات، این رییس جمهور بی پرنسب بود که قدم به قدم مجبور به قبول نکات اصلی برنامه انتخاباتی کمونیست ها شد و یا آنها را موقتاً به عاریه گرفت. در همین چارچوب یلتسین وزیر امور خارجه سرسپرده خود، آندره کوزیروف را برکنار کرد و بسیاری از مواد برنامه های اقتصادی، اجتماعی حزب را قبول کرد، در عمل همانگونه که رهبران حزب کمونیست هم ارزیابی کردند. این پلتفرم انتخاباتی حزب کمونیست بود که در خطوط اصلی آن هم از سوی یلتسین و هم از سوی کاندیدای خود حزب تبلیغ می شد. و مطمئناً این حقیقت عواقب مشخص و منحصر به فرد خود را خواهد داشت.

همانگونه که در بالا ذکر شد پیروزی پوشالی یلتسین به کمک بسیج تمامی امکانات دولت و نیروهای ارتجاعی داخلی و بین المللی ممکن شد. این حقیقت که طرفداران یلتسین تمامی ماشین دولتی و مطبوعات دولتی و خصوصی را به خدمت کارزار انتخاباتی خود به کار گرفتند، بسیاری از تحلیل گران سیاسی و ناظران بی طرف را واداشت که عادلانه بودن انتخابات را مورد سؤال قرار دهند. ناظران غربی گرچه جریان انتخابات را «در مجموع آزاد و عادلانه» ارزیابی می کردند ولی اضافه می کردند که کنترل یک جانبه رسانه های عمومی توسط طرفداران یلتسین تمامی پروسه انتخابات را زیر علامت سؤال برده است.

انستیتوی اروپایی رسانه های جمعی گفت: «نبود نقض عمده در روند انتخابات و ترتیبات شمارش آراء، به عقیده ما، برای اعلام آزاد و عادلانه بودن انتخابات کافی نیست... کاندیدها برای ارائه برنامه های خود به رای دهندگان از امکانات برابر برخوردار نبودند». مطالعات انجام شده از سوی این انستیتو نشان می دهد، که قبل از دور دوم انتخابات، یلتسین سه برابر زیوگائف از رسانه هایی مانند تلویزیون و رادیو استفاده کرده است. برنامه های سه ایستگاه سراسری تلویزیون روسیه در روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ژوئن مستقیماً جهت گیری ضد کمونیستی و تحریک کننده داشتند. بر طبق نشریه آکو مسکو در ۱۳ تیرماه ناظران بی طرف ۵۰ تا ۶۰ تخلف مطبوعاتی به نفع یلتسین را خاطر نشان کرده اند. دیمتری سیمز از مرکز فیکسون در واشنگتن کارزار انتخاباتی را شیدیدا تاسف بار خواند. به گفته سیمز، یلتسین تلویزیون و رادیو را در انحصار داشت و از منابع مالی و دولتی برای سازماندهی کارزار تبلیغاتی خود استفاده می کرد. حتی در آنجایی که رادیو و

پیروزی بوریس یلتسین در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری روسیه در ۱۳ تیرماه علی رغم تبلیغات کرکننده مطبوعات و محافل راست آن چنان که طراحان احیاء سرمایه داری در روسیه انتظار داشتند، تعیین کننده نبود. این حقیقت که قریب ۳۰ میلیون از مردم روسیه بی توجه به بمباران تبلیغاتی، وعده و وعیدها و رشوه های اغوا کننده یلتسین و مانورها و نیرنگ های انتخاباتی و حساب شده دولت، آراء خود را به نفع گنادی زیوگائف، کاندیدای حزب کمونیست به صندوق های رای ریختند، از همین حالازنگ ها را به صدا درآورده است. تحلیل گران سرمایه داری با شگفتی تجربه کردند که علی رغم تلاش های آنان برای به فراموشی سپردن خاطره حزب کمونیست و دستاوردهای سوسیالیسم، هر روز که می گذرد جذابیت برنامه آلترناتیو حزب کمونیست برای اصلاحات دموکراتیک به نفع مردم زحمتکش توده های وسیع تری را به دور آن جمع می کند. ۵ سال پس از دورانی که انحلال حزب و از هم پاشیدگی آن به درخواست امپریالیسم در دستور کار دولت یلتسین قرار گرفت، در انتخابات مجلس، نمایندگان حزب کمونیست بالاترین آراء را کسب کردند و با ۲۳/۵ درصد آراء کنترل پارلمان را در دست گرفتند. ۶ ماه پس از آن در دور اول انتخابات ریاست جمهوری ۳۲ درصد مردم از حزب حمایت کردند و دو هفته بعد در دور دوم انتخابات بیش از ۴۰ درصد مردم به نفع کاندیدای حزب کمونیست رای دادند. این روندی نیست که بتوان بی توجه به آن گذشت و درست بهمین دلیل از بررسی محض آماری نتیجه انتخابات نمی توان به یک ارزیابی واقعی روندهای موجود در جامعه روسیه و تحولات آینده آن دست یافت. انعکاس این حقیقت را نه فقط در ارزیابی های تحلیل گران درجه اول سرمایه داری بلکه در اولین اظهارات خود یلتسین پس از اعلام نتایج دور دوم انتخابات می توان مشاهده کرد. او خطاب به مردم گفت: «من خواسته های شما را به عنوان یک راهنمای بلاواسطه عمل برگزیده ام. ما یک روسیه داریم و یک سرنواشته و این به معنای اینست که فقط یک آینده وجود دارد. بنابراین تقسیم کشور به سفیدها و سرخ ها بس است... آزادی، نظم و توجه به رفاه مردم، اینها پایه های یک زندگی شاد و کامیاب می باشند».

این سخنان گرچه به منظور دموکرات جلوه دادن یلتسین بیان می شوند ولی از سوی دیگر تایید وزنه سنگین حزب کمونیست و طرفداران آن در حیات جامعه روسیه است. یلتسینی که تا دو سال قبل هرگونه مخالفتی را با توپ و تانک پاسخ می داد و حتی پارلمان را به گلوله می بست، اکنون مجبور است که خواستار برخورد مسالمت آمیز با مخالفان کمونیست خود گردد. و این تنها به دلیل توانایی حزب است. آنهايي که عجولانه پیروزی یلتسین و کاپیتالیسم در

ادامه در ص ۶

آدرس: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:484
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

16 July 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse